

عنوان مقاله:

نظامهای مدیریت منابع آب: پایداری گذشته و مشکلات کنونی

محل انتشار:

همایش بین المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

علی یوسفی - استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

امیرمظفر امینی - استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

محمدصادق ابراهیمی - استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

خلاصه مقاله:

آب به عنوان یک عامل محدودکننده در شکل دهی و تکوین فرهنگ و تمدن ایرانی، نقش تعیین کننده ای داشته است. اسناد تاریخی نشان می دهد که پیشینه تقسیم و بهره برداری از آب زاینده رود به درازای تاریخ تمدن جلگه ای اصفهان است. تقسیم عادلانه ی آب در مناطق خشک منجر به خلق نظام های مدیریتی سنتی آبیاری متناسب با ویژگی های محلی شده است. در واقع از زمانی که جمعیت اسکان یافته در این حوضه رو به فزونی نهاد، مردم برای خود حقا به تعیین کردند و با شاخه شاخه کردن آب به نهرهای بزرگ و کوچک، سهم همه ذینفعان به طور دقیق مشخص شد. در تقسیم و توزیع آب، مشارکت سازمان یافته ی مردم در مدیریت رودخانه اساس کار بوده، مدیریت آب را معتمدین، خبرگان محلی و صاحبان حقا به در اختیار داشته اند. انتخاب اینان نیز پیوسته از طریق انتخاب اصلح انجام می شده؛ «میراب» مدیریت آب سراسر رودخانه، «سرکشیک» یا «مادی سالار» مدیریت نهرهای بزرگ و «سرجوی» مدیریت نهرهای کوچک را بر عهده داشته اند. هدف نوشتار حاضر ارزیابی مقایسه ای نظام مدیریت آبیاری در دو شکل قدیم و جدید آن است. اطلاعات مورد نیاز این مطالعه از سه طریق مشاهده مستقیم، مطالعه کتابخانه ای و بررسی میدانی در شرق حوزه آبخیز زاینده رود و از 217 کشاورزی که از طریق نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند، به دست آمد. نتایج بررسی نشان می دهد که برخلاف مدیریت مردمی و بسیار کارآمد آب در گذشته، بسترهای مورد نیاز برای برپایی فعالیت های مردمی در قالب تشکل های آب بری به شکلی امروزی، فراهم نشده است. نتایج این مطالعه میدانی موید این است که سطح آگاهی کشاورزان از چرایی و چگونگی تاسیس این تشکل ها در حد بسیار کم بوده، حتی به کارگیری نادرست و ناقص مشوق های اقتصادی نیز نه تنها ثمری در برانگیختن بهره برداران برای برپایی این تشکل ها نداشته است که در مواردی حتی به عامل بازدارنده ای در برپایی آن ها نیز بدل شده است. به دلیل مشارکت و حضور ناچیز بهره برداران در عرصه های تصمیم گیری و اجرا، و به ویژه در نبود برنامه ای روشن برای مشارکت آن ها در تخصیص حقا به ها، همکاری و همدلی مخاطبان این برنامه ها در سطحی بسیار نازل اندازه گیری شده است. بدین سبب است که مشاهده می شود تشکل های آب بری حتی در انجام کوچکترین وظیفه شان که توزیع آب است هم ناکام مانده، به دلیل ضعف آگاهی و نبود نیرویی خودجوش و برخاسته از کشاورزان، بستر مناسبی برای این ذهنیت غلط که دولت باید پیوسته قیم و اداره کننده تشکل های مردمی باشد، به شدت رشد یافته است. و این چنین است که در رقابت بین دو بخش اقتصادی صنعت و کشاورزی برای استفاده هر چه بیشتر از آب در این سال های خشک، بخش کشاورزی به شدت مغبون شده، بیکاری کشاورزان و مهاجرت آن ها برای جستجوی لقمه ای نان، از حساب به در شده است

کلمات کلیدی:

مدیریت سنتی منابع آب؛ مشارکت خود خواسته؛ انجمن آب بران؛ رودخانه زاینده رود

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/136155>



